

## خاستگاه و جایگاه مجازاتهای بازدارنده در حقوق ایران

جعفر صادق‌منش (دانشجوی مقطع دکترای علوم جزا و جرم‌شناسی)

از ابتدای پیروزی انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، به عنوان نخستین تجربه حکومت ناب اسلامی پس از دوران حکومت امام علی(ع)، رویکرد اصلی قانونگذار جمهوری اسلامی ایران ایجاد تحولی بنیادین در همه ابعاد و از آن جمله در بعد قوانین ماهوی کیفری در مسیر اسلامی کردن قوانین و تحقق بخشیدن به اهداف نظام جزای اسلامی بود.

اما از آنجا که در طول تاریخ، فقهای ما قرابتی با نظامهای سلطنتی حاکم بر بلاد اسلامی و از آن جمله ایران نداشتند و اساساً در طول تاریخ، حکامی که سلطنت فراگیر داشته‌اند به دنبال پیاده کردن احکام اسلامی به معنای واقعی کلمه نبودند، گرچه گهگاه و به‌طور محدود پرتوهایی از احکام اسلامی در برخی زوایای سلطنت مشاهده می‌شد، همین جدایی فقهت از حکومت دو ضرر عمده داشت: نخست این که فتاوی حکومتی و اجتماعی با واقعیت‌های موجود جوامع انطباق نداشته و حداکثر بیان کلیاتی درباره احکام اجتماعی اسلام بود و دوم این که حکومتها از شعاع پرنور احکام مترقی حکومتی به‌طور عام و جزایی به‌طور خاص محروم شده و آنان نیز که به دنبال اصلاح امور قضایی و جزایی بوده‌اند جز در موارد اندکی مانند اصلاحات امیرکبیر، مقلد کورکورانه قواعدی بودند که از جهان غرب به ارمغان آورده بودند. به هر حال، سابقه طولانی جدایی فقهت از حکومت باعث گردید در مرحله پیاده‌سازی احکام جزایی اسلام از ابتدای تأسیس نظام جمهوری اسلامی، با آزمون و خطاهایی مواجه شویم؛ گرچه همین آزمون و خطاها، جمهوری اسلامی را به سمت هرچه کاراتر کردن قوانین مبتنی بر تعالیم شرع مقدس سوق داده است.

از جمله مشکلات حقوق کیفری ایران بعد از پیروزی انقلاب که اختلاف نظرهای اساسی را در میان نهادهای حکومتی در سالهای دهه نخست انقلاب برانگیخت می‌توان به موضوع‌هایی مثل اختیارات بازپرس جهت اخذ تأمین و پیش‌بینی مجازات ثابت و حتی مجازات تخییری برای جرایم تعزیری و غیرتعزیری در قوانین کیفری و پذیرش مرور زمان در مسائل کیفری اشاره نمود، که در اینجا مجال پرداختن بیشتر به این موضوع‌ها نیست. یکی دیگر از مشکلات پیش آمده در دهه نخست تأسیس نظام جمهوری اسلامی، ابهام در تعیین مجازات برای اعمال و رفتارهایی بود که به خودی خود از نظر شرعی حکمی الزامی مبتنی بر وجوب یا حرمت نداشتند. برای حل این مشکل، رئیس وقت دیوان عالی کشور در مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۶ طی نامه‌ای به محضر حضرت امام(ره) نظر فقهی ایشان را در خصوص سه موضوع جويا شد که موضوع دوم این بود:

«۱\_..... ۲- برای اداره کشور قوانینی در مجلس تصویب می‌شود مانند قاچاق، گمرکات و تخلفات رانندگی، قوانین شهرداری و به‌طور کلی احکام سلطانیه و برای این که مردم به این قوانین عمل کنند برای متخلفین مجازات‌هایی در قانون تعیین می‌کنند، آیا این مجازات‌ها از باب تعزیر شرعی

است و احکام شرعی تعزیرات از نظر کم و کیف بر آنها باراست یا قسم دیگر است و از تعزیرات جدا هستند و اگر موجب خلاف شرع نباشد باید به آنها عمل کرد؟»  
حضرت امام(ره) در پاسخ این پرسش فرمودند:

«باسمه تعالی، در احکام سلطانیه که خارج از تعزیرات شرعیه در حکم اولیه است متخلفین را به مجازاتهای بازدارنده به امر حاکم یا وکیل او می‌توانند مجازات کنند.»<sup>(۱)</sup>  
همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اصطلاح "مجازاتهای بازدارنده" برای نخستین بار در قالب نظریه حکومتی حضرت امام (ره) وارد فرهنگ حقوق کیفری ایران گردید.

چند سال پس از این نظریه، با آن که در سال ۱۳۶۱ و در قالب اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری برای نخستین بار در حقوق ایران مجازاتها به جای جنایت، جنحه و خلاف به حدود، قصاص دیات و تعزیرات تقسیم شده بودند، در سال ۱۳۶۸ و در قالب تصویب قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور، "مجازاتهای بازدارنده" بر تقسیم‌بندی چهارگانه فوق اضافه گردیده و مجازاتهای قانونی در ایران به پنج عنوان تقسیم گردید.

در سال ۱۳۷۰ نیز ماده(۱۲) قانون مجازات اسلامی همین تقسیم‌بندی پنجگانه را تکرار کرده و در حقوق ایران تثبیت کرد و ماده(۱۷) این قانون نیز در مقام تعریف "مجازاتهای بازدارنده" مقرر داشت: «مجازاتهای بازدارنده تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد؛ از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن».

مفاد این تعریف دو بخش عمده و اساسی دارد که عبارتند از:

۱- موارد حکم به مجازات بازدارنده؛

۲- مصادیق مجازاتهای بازدارنده.

درباره موارد حکم به مجازاتهای بازدارنده، ماده(۱۷) کاملاً مطابق با نظریه حکومتی مورخ ۱۳۶۸/۱۱/۱۶ حضرت امام(ره) می‌باشد؛ زیرا در هردو نظریه ملاحظه می‌کنیم که مجازاتهای بازدارنده در قبال تخلف از احکام سلطانیه به تعبیر حضرت امام(ره) یا در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی (دولتی) به تعبیر ماده(۱۷) ق.م.ا، اعمال می‌شوند و احکام سلطانیه که اصطلاحی فقهی است معادل مقررات و نظامات حکومتی در زبان فارسی وبه معنای احکامی است که اولاً و با لذات شارع مقدس حکمی الزامی (اعم از حرمت با وجوب) درباره آنها صادر نکرده، اما حاکم اسلامی به لحاظ رعایت مصالح جامعه اسلامی حکمی الزامی بر آنها بار کرده و متخلفان را مجازات می‌کند؛ و ثانیاً و بالعرض از نظر شرعی نیز حرام یا واجب شناخته می‌شوند. شاید به همین دلیل نیز از دیرباز واژه "تعزیرات حکومتی" مترادف مجازاتهای بازدارنده و در مقابل تعزیرات شرعی به کاررفته است.

اما درباره مصادیق مجازاتهای بازدارنده، بی تردید باید گفت که مصادیق این مجازاتها محصور در موارد مندرج در ماده (۱۷) ق.م.ا، اسلامی نمی‌باشد؛ زیرا، اولاً: محصورکردن اختیارات حاکم اسلامی در تعیین مجازاتهای بازدارنده به مصادیق خاصی از مجازات، هم با اصل اختیارات عام ولی فقیه منافات دارد و هم فاقد دلیل است.

ثانیاً: در انتهای ماده (۱۷) قید "و مانند آن" آمده است که دلیل بر حصری نبودن موارد مذکور در ماده می‌باشد.

ثالثاً: در قوانین کیفری به برخی جرایم غیرتعزیری برخورد می‌کنیم که در آنها مجازات دیگری غیر از مجازاتهای مذکور در ماده (۱۷) در آنها آمده است و نمونه آن تعیین مجازات تا (۷۴) ضربه شلاق در ماده (۵۴۳) ق.م.ا، برای مستحفظی است که در اثر اهمال او پلمپ یک محل یا چیزی توسط شخص دیگری شکسته می‌شود.

رابعاً: در پاسخ بند یک استفتای مورخ ۶۸/۱۱/۱۶ رئیس وقت دیوان عالی کشور، حضرت امام (ره) تلویحاً حکومت را در تعیین نوع مجازاتهای بازدارنده مبسوط الید دانسته‌اند و آنها را محدود به موارد خاصی ندانسته‌اند.<sup>(۲)</sup>

از مجموع آن چه تاکنون گفته شد نتیجه می‌گیریم:

اولاً: مجازات بازدارنده، مجازاتی مستقل و اصلی است، نه مصداقی از تعزیرات شرعی یا مجازات تبعی یا تکمیلی.

ثانیاً: تنها در قبال تخلف از آن دسته مقررات و نظامات دولتی اعمال می‌شوند که به خودی خود نه واجب هستند و نه حرام.

ثالثاً: مجازاتهای بازدارنده، محدود به نوع خاصی از مجازاتها نمی‌باشد، مگر این که حکومت اسلامی در قالب قوانین، آنها را محدود به موارد خاصی بکند.

حال با توجه به این نتیجه‌گیری، به بررسی رویه قضایی ایران درباره مجازاتهای بازدارنده می‌پردازیم.

۱ - رأی وحدت رویه شماره ۵۹۰-۱۳۷۲/۱۱/۵:

«مجازاتهای بازدارنده مذکور در ماده (۱۷) ق.م.ا، مصوب ۱۳۸۰/۵/۸ به ضرورت حفظ و مصلحت اجتماع درباره کسانی اعمال می‌شود که مرتکب جرم عمدی شده و تعیین مجازات تعزیری مقرر در قانون برای تنبیه و تنبه مرتکب کافی نباشد که در این صورت دادگاه می‌تواند برطبق ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی، مجازات بازدارنده را هم به‌عنوان متمیم مجازات در حکم خود قید نماید و تعیین حداکثر مجازات تعزیری مانع تعیین مجازات بازدارنده نمی‌باشد.» با توجه به مخدوش بودن این رأی از جهات مختلف، بهتر است در قالب رأی وحدت رویه دیگری اصلاح شود. ما در اینجا تنها در حدی که مربوط به موضوع نوشتار می‌باشد نکاتی را بیان می‌کنم:

الف) این رأی حکم به مجازات بازدارنده را در قبال ارتکاب اعمال مستوجب تعزیرات شرعی تجویز نموده است؛ در حالی که قبلاً ثابت کردیم، مجازات بازدارنده تنها در قبال سرپیچی از نظامات و مقررات دولتی فاقد حکم الزام‌آور شرعی قابل اجرا می‌باشد.

ب) این رأی مجازات بازدارنده را مجازاتی تکمیلی تلقی نموده است؛ در حالی که قبلاً ثابت کردیم، مجازاتی اصلی است و در قبال دسته خاصی از جرایم مورد حکم قرار می‌گیرد.

۲- نظریه شماره ۷/۴۹۳۹ - ۱۳۸۰/۶/۳۱ اداره حقوقی:

« با عنایت به تعریف مجازاتهای تعزیری و بازدارنده در ق.م.ا، مصوب ۱۳۷۰، منظور مقنن از جمله "مانندان" در آخر ماده (۱۷) مزبور، هر مجازاتی است که قانونگذار - حکومت به معنای اعم - برای حفظ نظم و مصلحت اجتماعی با ذکر نوع و میزان آن در قانون تعیین کرده بدون این که آن مجازات در فقه یا شرع آمده باشد. مانند مجازات شلاق - غیر از حد - که مثلاً در کتاب پنجم ق.م.ا، مصوب ۱۳۷۵ مکرراً مقرر شده، ولی در زمره مجازاتهای موضوع ماده (۱۷) ذکر نشده؛ در حالی که در تبصره "۳" ماده (۱۷۳) ق.آ.د.ع.ا.ک، مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸، به عنوان مجازات بازدارنده تصریح شده است. همچنین است مجازات تبدیلی "قطعی خدمات عمومی" موضوع ماده (۷۲۸) ق.م.ا، مصوب ۱۳۷۵. با توجه به مراتب مزبور "ارایه خدمات" نمی‌تواند در زمره مجازاتهای بازدارنده و از مصادیق جمله «مانندان» در آخر ماده (۱۷) موصوف باشد، مگر این که مقنن آن را تصویب کند.»

با آنکه نگارنده کاملاً با استدلال اداره حقوقی در صدر این نظریه موافق است، اما ایراد آن، مجازات بازدارنده تلقی کردن "قطع خدمات عمومی" به استناد ماده (۷۲۸) ق.م.ا، است؛ چرا که به نظر می‌رسد این مجازات ماهیتاً مجازاتی تبدیلی است که قاضی در قبال ارتکاب هرگونه جرم - اعم از جرم مستوجب تعزیر شرعی و جرم مستوجب مجازات بازدارنده - می‌تواند به آن حکم کند و به عبارت دیگر، هرگاه مجازات اصلی، مجازاتی تعزیری باشد، مجازات "قطع موقت خدمات عمومی" نیز مجازاتی تعزیری تلقی می‌شود و هرگاه مجازات اصلی در قبال ارتکاب جرایم مستوجب مجازات بازدارنده - سرپیچی از نظامات دولتی - باشد، مجازات قطع موقت خدمات عمومی، مجازاتی بازدارنده محسوب می‌شود.

۳- نظریه شماره ۷/۱۱۷۱-۱۳۷۵/۳/۲-۷/۱۱۷۱ اداره حقوقی:

«مجازاتهای مذکور در ق.م.م.م، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۶۷) و جزای نقدی، مجازات بازدارنده است.»

این نظریه تطابق کامل با دیدگاه نگارنده دارد؛ زیرا کلیه مجازاتهای پیش‌بینی شده در قانون یاد شده، در قبال جرایم مواد مخدر می‌باشد که همگی از احکام سلطانیه و فاقد حکم اولی شرعی به حساب می‌آید. یادآوری می‌شود که مجازاتهای مقرر در قانون مورد اشاره شامل طیف وسیعی از مجازاتها می‌باشد که عبارتند از: جزای نقدی، مصادره اموال، حبس، شلاق، اعدام، انفصال از خدمات دولتی،

تنزیل درجه، لغو پروانه فعالیت، ضبط شرکت به نفع دولت، ضبط گواهینامه و محرومیت از داشتن گواهینامه.

۴ - نظریه ۷/۸۰۱۳ - ۱۳۷۵/۱۱/۳ اداره حقوقی:

۱ - با توجه به تعریف مجازات بازدارنده در ماده (۱۷) ق.م.ا. (مصوب ۱۳۷۰) تمام مجازاتهای مذکور در کتاب پنجم از ق.م.ا. (مصوب ۱۳۷۵) که نوع و میزان آنها در قانون مشخص شده است و برای حفظ نظم و مصلحت اجتماعی اعمال می‌شود، مجازات بازدارنده است و می‌تواند مشمول مرور زمان آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ شود.

۲ - با عنایت به تعریف تعزیرات شرعی در تبصره یک ماده (۲) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و تعریف مجازات بازدارنده در ماده (۱۷) ق.م.ا. می‌توان گفت بین اصطلاحات "تعزیر" و "مجازات‌های بازدارنده" رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد. به بیان دیگر، اصطلاح "تعزیر" شامل مجازات بازدارنده هم می‌شود، لیکن اصطلاح مجازات بازدارنده، شامل تعزیرات شرعی نیست.

به هردو بند نظریه یادشده انتقاداتی بدین شرح وارد است:

اولاً: اداره محترم حقوقی با استدلال براین که «نوع و میزان آن در قانون مشخص شده است و برای حفظ نظم و مصلحت اجتماعی اعمال می‌شود» کلیه مجازاتهای مذکور در کتاب پنجم ق.م.ا. را مجازات بازدارنده تلقی کرده است.

ایراد اساسی استدلال مذکور یکسان دیدن مجازات کلیه جرایم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی است؛ در حالی که مجازات بعضی از جرایم کتاب پنجم ق.م.ا. از باب «تعزیر شرعی» است؛ مانند مجازات توهین به مقدسات مذهبی (ماده ۵۱۳) ارتشا (ماده ۵۹۱ - ۵۸۸) رشاء (ماده ۵۲۹) توهین (ماده ۶۰۸) روابط نامشروع<sup>(۳)</sup> (ماده ۶۳۷) سوگند دروغ (ماده ۶۴۹) انواع سرقت و از آن جمله کیفزنی و جیب‌بری (ماده ۶۵۷)<sup>(۴)</sup> خیانت در امانت (ماده ۶۷۴) و چندین جرم دیگر.

ثانیاً: خطای اداره حقوقی در مجازات بازدارنده، دانستن کلیه مجازاتهای مندرج در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با توجه به استدلال مذکور در بند یک و همچنین با توجه به توضیحات مندرج در بند (دو) از نظریه صدرالاشاره درباره رابطه مجازات بازدارنده و تعزیر شرعی، ریشه در عدم تفکیک دقیق مرز بین دو نوع مجازات مذکور دارد و به همین دلیل ارایه توضیح زیر را لازم می‌دانیم:

تعزیرات شرعی به دو دسته تقسیم می‌شوند: آن دسته از تعزیرات شرعی که شارع مقدس نوع و میزان مجازات آنها را نیز مشخص کرده، اما چون در قالب حدود قابل طرح نبوده‌اند جزء تعزیرات شمرده شده‌اند. البته در حد یا تعزیر بودن این قبیل مجازاتها و همچنین تعداد جرایم مستوجب این قبیل مجازاتها بین فقها اختلاف نظر وجود دارد و در این جا مجال پرداختن به آنهاست.<sup>(۵)</sup>

دسته دیگر تعزیرات شرعی که شامل دایره وسیعی از جرایم مستوجب تعزیر شرعی می‌باشد، جرایمی است که شارع مقدس به دلیل ارتکاب حرام یا ترک واجب پیش‌بینی کرده، اما تعیین نوع و میزان مجازات آن را به "حاکم" واگذار کرده‌است.<sup>(۶)</sup> در حال حاضر و در زمان غیبت حضرت بقیة...الاعظم(عج) "حاکم اسلامی" همان ولی‌فقیه می‌باشد که قضاوت از شئون ولایت او می‌باشد و این منصب را با تأیید قوانین مصوب از طریق شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام به قوه قضاییه و قضات این قوه واگذار کرده است. به عبارت دیگر، ولی‌فقیه از طریق نمایندگان مجلس شورای اسلامی و در قالب قانون، حدود و ثغوری را برای اعمال اختیار تعیین نوع و میزان مجازات از سوی قضات دادگاهها تعیین فرموده‌است<sup>(۷)</sup> و نتیجه این سخن آن است که مانعی ندارد نوع و میزان مجازاتهای شرعی همانند مجازاتهای بازدارنده در قانون مشخص شود. بنابراین، صرف این که نوع و میزان یک مجازات در قانون تعیین شود دلیل بر بازدارنده بودن آن مجازات نیست.

ایراد دیگر نظریه اداره حقوقی به بند دو نظریه مذکور بازمی‌گردد.

با این توضیح که بدون هیچگونه استدلال منطقی و با اشاره به تبصره یک ماده(۲)ق.ا.د.د.ع.ا.ک، و ماده(۱۷) ق.م.ا، معتقد به وجود رابطه عموم و خصوص مطلق بین مجازات بازدارنده و تعزیر شرعی گردیده و اولی را خاص و دومی را عام دانسته است؛ در حالی که از تعریف مندرج در دو مستند مورد اشاره چنین رابطه‌ای استنباط نمی‌شود؛ زیرا همان‌گونه که بارها اشاره گردید، اساساً مبنای حکم به مجازاتهای بازدارنده و واضح مجازاتهای بازدارنده، غیر از مبنای حکم به تعزیرات شرعی و واضح این مجازات می‌باشد. بنابراین بین دو نوع مجازات مذکور رابطه تباین وجود دارد و نه عموم و خصوص مطلق؛ گرچه این نوع مجازاتها در مواردی وجوه تشابهی با یکدیگر پیدا می‌کنند. مانند شباهت از نظر تعیین نوع و میزان مجازات در مواردی که قانونگذار برای یک تعزیر شرعی نوع و میزان خاصی از مجازات را در نظر گرفته است.

یکی از موضوعاتی که قضات و حقوقدانان ما را در بسیاری از اوقات سردرگم کرده، این است که همواره در قوانین و مقررات ها صحبت از احکام و آثار خاصی می‌شود که بر مجازاتهای بازدارنده و یا تعزیرات شرعی بار می‌شود، مانند احکام مرور زمان، تعلیق یا (ماده ۲۵ ق.م.ا) تخفیف مجازات (ماده ۲۲ ق.م.ا)، مجازات تکمیلی (ماده ۱۹ ق.م.ا) و...؛ در حالی که این نوع ادبیات حقوقی نادرست است و اصولاً باید آثار مذکور را متوجه "جرایم مستوجب تعزیر شرعی" و "جرایم مستوجب مجازاتهای بازدارنده" کرد و نه خود مجازاتها؛ زیرا گاهی در دو جرم متفاوت در عین حال که نوع و میزان مجازات کاملاً یکسان است، اما یکی از آن دو جرم، جرم مستوجب تعزیر شرعی است و دیگری جرم مستوجب مجازات بازدارنده. نمونه این امر پیش‌بینی مجازات شش ماه تا دو سال حبس یا تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی برای دو جرم ارتشا (که مستوجب تعزیر شرعی است) و جعل اسناد غیررسمی (که مستوجب مجازات بازدارنده است، چراکه بخودی خود شرعاً جرم محسوب نمی‌شود)

در مواد (۵۸۸) و (۵۳۶) ق.م.ا، و نیز پیش‌بینی مجازات شش ماه تا دو سال حبس برای جرم سوگند دروغ (که مستوجب تعزیر شرعی است) و تهدید به بمب‌گذاری در هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی (که مستوجب مجازات بازدارنده است) در مواد (۶۴۹) و (۵۱۱) ق.م.ا، و نیز مانند پیش‌بینی مجازات حبس از شش ماه تا سه سال برای جرم خیانت در امانت (که مستوجب تعزیر شرعی است) و جرایم موضوع ماده (۵۰۳) ق.م.ا، (که همگی مستوجب مجازات بازدارنده‌اند) در مواد (۶۷۴) و (۵۰۳) ق.م.ا می‌باشد.

با این وصف، اگر ما تنها خود مجازات را فارغ از جرم مستوجب آن مجازات در نظر بگیریم، در موارد مشابه هیچ ملاکی برای تمیز مجازات بازدارنده از تعزیر شرعی نمی‌یابیم؛ مثلاً اگر بخواهیم مقررات مرور زمان را اعمال کنیم باید در جرایم با مجازات مشابه، یا در هر دو جرم این حکم را اجرا کنیم یا در هیچ‌کدام این حکم را اجرا نکنیم. در حالی که اگر به‌جای خود مجازات، نگاه خود را معطوف به اصل جرم بکنیم، به فرض تفکیک دو نوع جرم مستوجب تعزیر و مستوجب مجازات بازدارنده، آثار مربوط به هر کدام را اعمال می‌کنیم و مثلاً مرور زمان را در جرم موضوع ماده (۵۱۱) تهدید به بمب‌گذاری اعمال می‌کنیم، ولی در جرم موضوع ماده (۶۴۹) (سوگند دروغ) اعمال نمی‌کنیم، هر چند مجازات این دو یکسان است.

در پایان این نوشتار برای پیشگیری از استمرار و گسترش تشتت آرای موجود در باره مجازات‌های بازدارنده و تعزیرات شرعی، پیشنهاد می‌شود:

۱- از آنجا که ولی فقیه در جرایم مستوجب مجازات‌های تعزیری نیز همانند جرایم مستوجب مجازات‌های بازدارنده می‌تواند از طریق سازوکار پیش‌بینی در قوانین جمهوری اسلامی ایران، حدود، ثغور و آثار و احکام خاصی را پیش‌بینی کند، بهتر است تمام آثار و احکام جرایم مستوجب مجازات‌های بازدارنده را -که در حال حاضر طبق ماده (۱۷۳) ق. آ.د. د.ع.ا.ک، و ماده (۱۱) ق.م.ا، اثر عملی تفکیک این دو نوع مجازات امکان اعمال مقررات مرور زمان و عطف به‌ماسبق نشدن در مجازات‌های بازدارنده می‌باشد- به جرایم مستوجب تعزیرات شرعی نیز تسری دهند.

۲- قانونگذار جمهوری اسلامی ایران با بررسی مجدد قوانین و آرای وحدت رویه موجود و با الهام از مبانی فقهی، به‌طور شفاف از طریق رایحه ضابطه یا احصای کامل مجازات‌های بازدارنده، مرز این دو مجازات را از هم تفکیک کند.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- مهرپور، د. حسین، دیدگاه‌های جدید در مسائل کیفری. مقاله سرگذشت تعزیرات صص ۱۳۰ - ۱۱۰، انتشارات مؤسسه اطلاعات ۱۳۷۲.

- ۲- پاسخ حضرت امام (ره) چنین است: «باسمه تعالی. در تعزیرات شرعیه احتیاط آن است که به مجازاتهای منصوص اکتفا شود مگر این که جنبه عمومی داشته باشد مثل احتکار و گرانفروشی که با مقررات حکومتی داخل در مسأله بعد (مسأله دوم) می باشد.»
- ۳و۴- الخویی (ره)، آیت... سیدابوالقاسم - مبانی تکمله المنهاج، ج یک، ص ۴۱۴، انتشارات مؤسسه احیای آثار آیه ا... خویی، قم، ۱۴۲۲هـ.ق.
- ۵- ر.ک: موسوی اردبیلی، آیت... سید عبدالکریم - فقه الحدود و التعزیرات صص ۳۱ - ۲۶، انتشارات دانشگاه مفید.
- ۶- الخویی - آیت... سید ابوالقاسم. همان ص ۴۰۷.
- ۷- دلیل جواز این امر همان ادله اختیارات ولی فقیه و به تعبیر عام تر، حاکم اسلامی می باشد؛ همان گونه که "ابی یعلی" و "ماوردی" نیز امکان محدود کردن اختیارات و صلاحیت آنها به منطقه ای خاص و ... را تجویز نموده اند. ر.ک: الاحکام السلطانیه. به ترتیب صفحات ۶۸ تا ۷۰ و ۷۰ تا ۷۳ - دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۴۰۶ هـ.ق.